حادثه‌ها

صدور نظریه پزشکی‌قانونی در پرونده «اعظم»

● وکیل‌مدافع اعظم از صدور نظریه پزشکی‌قانونی در زمینه صدمات وارده به موکلش خبر داد و گفت: درحال‌حاضر منتظر صدور قرار مناسب از سوی بازپرس پرونده هستیم. به گزارش ایسنا، مرضیه محبی درباره آخرین وضعیت پرونده «اعظم» گفت: نظریه پزشکی‌قانونی درباره تعیین صدمات و جراحات وارده بوده و به نظر می‌رسد هفته گذشته صادر و تحقیقات تمام شده است و درحال‌حاضر منتظر صدور قرار مناسب از سوی بازپرس پرونده هستیم. وکیل‌مدافع «اعظم» درباره سلامت روانی متهم گفت: این موضوع باید توسط پزشکی‌قانونی روشن شود، اما به نظر من وی با اختیار و اراده دست به این اعمال زده بود. براساس این گزارش، «اعظم» زنی است که همسرش او و دو دختر خردسالشان را مورد آزار قرار داده و آنها را حدود ۲۰ روز بدون آب و غذا در خانه‌شان زندانی کرده بود.

کلاهبرداری به شیوه فروش بلیت ارزان‌قیمت پرواز

● فردی که با ارسال پیامک فروش بلیت‌های ارزان‌قیمت پروازهای خارجی و داخلی، اقدام به کلاهبرداری از شهروندان می‌کرد، با شکایت مال‌باختگان و تلاش مأموران پلیس پایتخت، شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ علیرضا لطفی، رئیس پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ، دراین‌باره گفت: «با شکایت‌های ارائه‌شده از سوی شهروندان و مسافران پروازهای داخلی و خارجی به مقام قضائی، پرونده‌ای درباره کلاهبرداری و جعل عنوان به این یگان ارجاع شد و تیمی از مأموران پلیس امنیت عمومی پایتخت برای بررسی موضوع وارد عمل شدند. وی افزود: «در بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد فردی به نام «م.پ» با ارسال پیامک‌های انبوه به شهروندان ادعا می‌کرد می‌تواند پروازهای ارزان‌قیمت لحظه‌آخری را برای مشتریانش فراهم کند و با این شگردها و همچنین تماس‌های مکرر که اگر تا چند دقیقه دیگر پول واریز نشود بلیت به دیگری واگذار می‌شود، عملا مال‌باختگان را در موقعیت اضطراری قرار می‌داد و از آنها مبالغی را به‌عنوان وجه بلیت دریافت می‌کرد. سرهنگ لطفی عنوان کرد: «این متهم همچنین با جعل عناوینی مانند فرزند یکی از فرماندهان عالی‌رتبه نظامی کشور و مسئولان دولتی، با وعده‌های دریافت وام‌های سنگین با نرخ سود پایین، اقدام به کلاهبرداری از شهروندان می‌کرد و ضمن فریب آنها وجوه قابل‌توجهی را از آنها دریافت می‌کرد. رئیس پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ تصریح کرد: «در بررسی‌های اولیه از سوی مأموران مشخص شد این کلاهبردار در استان‌های بوشهر، البرز، اصفهان و تهران اقدام به کلاهبرداری کرده است». وی اظهار کرد: «به‌این‌ترتیب تحقیقات پیرامون شناسایی محل سکونت متهم گسترده‌تر شد و درنهایت این متهم چندی‌پیش توسط مأموران در تهران دستگیر شد و پس از بازجویی‌های تخصصی به جرم خود مبنی بر جعل عنوان و کلاهبرداری اعتراف کرد. رئیس پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ ضمن توصیه به شهروندان درباره فعالیت‌های مجرمانه کلاهبرداران در فضای مجازی و به صورت پیامکی، از آنها خواست در صورت برخورد با موارد مشکوک و مشابه، مراتب را به پلیس اطلاع دهند تا برخوردهای قانونی با موضوع صورت گیرد». سرهنگ لطفی در پایان خاطرنشان کرد: «برابر هماهنگی‌های به‌عمل‌آمده با مقام قضائی، متهم پرونده هم‌اکنون با قرار قانونی و برای شناسایی سایر جرائم در اختیار مأموران پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ قرار دارد و شکات و مال‌باختگان برای شناسایی یا پیگیری پرونده می‌توانند به مرکز عملیات ویژه این پلیس واقع در بزرگراه جلال آل‌احمد، خیابان ناظریان‌قمی، کوچه پارک، پلاک یک مراجعه کنند یا با شماره تلفن ۲۱۸۶۸۸۴۴ تماس بگیرند».

کلاهبرداری ۲۴۲ تخته‌فرش

● رئیس‌پلیس آگاهی استان خوزستان از کلاهبرداری ۲۴۲ تخته‌فرش و دستگیری سه کلاهبردار در این رابطه خبر داد. سرهنگ علی حاتمی گفت: در پی دریافت شکایتی مبنی بر اینکه افرادی با جلب اعتماد تولیدکنندگان فرش در استان اصفهان، تعدادی فرش کلاهبرداری و به شهرستان اهواز منتقل کرده‌اند، بررسی موضوع آغاز شد. وی گفت: کارآگاهان با بررسی پرونده متوجه شدند، سه نفر با مراجعه به تولیدکنندگان فرش در استان اصفهان با سپردن سند منزل مسکونی و جلب اعتماد آنها، تعداد زیادی فرش از آنها به قیمت کارخانه تحویل گرفته و برای فروش به اهواز منتقل کرده و فرش‌ها را زیر قیمت به فروش رسانده‌اند. وی افزود: مأموران با تحقیق گسترده، اعضای این باند سه‌نفره کلاهبردار را شناسایی و پس از هماهنگی با مقام قضائی آنها را در یک عملیات غافلگیرانه در مخفیگاهشان دستگیر کردند. رئیس پلیس آگاهی خوزستان گفت: مأموران در بازرسی از مخفیگاه متهمان ۲۴۲ تخته‌فرش به ارزش سه‌میلیاردو ۵۰۰ هزار ریال کشف و ضبط کردند. سرهنگ حاتمی افزود: در بررسی کارشناسی مشخص شد، ارزش سند ملکی که به‌عنوان ضمانت نزد تولیدکنندگان فرش سپرده بودند، بسیار کم و تنها برای کلاهبرداری بوده است. وی اظهار کرد: متهمان پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی راهی مراجع قضائی شدند.

راز ناپدیدشدن مرد گاراژدار فاش شد

سناریوهای پیچیده برای فرار از اتهام جنایت

شرق: مردی که با طمع به دست‌آوردن نیمی از گاراژ محل کارش صاحب ملک را کشته بود، برای فرار از زیر بار اتهام سناریوهای پیچیده‌ای را مطرح کرد اما سرانجام واقعیت فاش شد. به گزارش خبرنگار ما، فردی روز ششم اردیبهشت با مراجعه به کلانتری شهرک قدس به مأموران گفت برادر۵۰ساله‌اش به‌نام «ایرج» از مدتی پیش ناپدید شده، به تماس‌های مکرر آنها پاسخ‌گو نیست و هیچ‌گونه اطلاعی نیز از سرنوشت وی وجود ندارد.

شاکی پس از معرفی به اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران، به کارآگاهان توضیح داد: «ایرج به‌تنهایی در خانه‌اش در منطقه سعادت‌آباد زندگی می‌کند و مالک یک گاراژ در تهرانسر است که آن را اجاره داده است. او از مدتی پیش عنوان کرده بود قسمتی از سقف گاراژ به تعمیرات اساسی نیاز دارد و به همین علت مشغول فراهم‌کردن مقدمات تعمیرات گاراژ بود که ناگهان ناپدید شد. ابتدا تصور بر آن بود که طبق روال همیشگی، او برای مدتی کوتاه به خارج از کشور رفته اما پس از گذشت چند روز بی‌خبری و تماس‌نگرفتن از سوی ایرج، به‌ناچار مجبور به طرح شکایت شدیم».

کارآگاهان با مراجعه به محل زندگی ایرج در میدان کاج به تحقیق از همسایگان او پرداختند و اطلاع پیدا کردند این مرد آخرین‌بار روز ۲۷ فروردین با خودرو پژو ۲۰۶ شخصی‌اش از مجتمع محل سکونتش خارج شده و دیگر بازنگشته است.

کارآگاهان با مراجعه به گاراژ ایرج به تحقیق از مستأجر او به‌نام «امید. س» (۳۴ ساله) پرداختند.

امید در اظهارات اولیه به کارآگاهان گفت: «ایرج ۲۷ فروردین به گاراژ آمده بود تا درباره نحوه هزینه‌کرد تعمیرات سقف گاراژ با یکدیگر صحبت کنیم که ناگهان شخصی با وی تماس گرفت. پس از پایان تماس تلفنی، ایرج از من خواست ماشینش را به اکباتان ببرم و به خانمی تحویل دهم. من نیز ساعت ۱۶ همان روز برای تحویل‌دادن خودرو به شهرک اکباتان رفتم و در آنجا خانمی جوان با ظاهری آراسته به محل پارک خودرو آمد و ماشین را از من تحویل گرفت. پس از آن دیگر ایرج را ندیدم و از سرنوشت وی نیز هیچ اطلاعی ندارم».

در ادامه رسیدگی به پرونده، دستور توقیف خودرو پژو ۲۰۶ متعلق به ایرج در سیستم جامع پلیس ثبت و چند روز پس از آن این اتومبیل از سوی گشت آشکار پلیس آگاهی تهران، در شهرک اکباتان به صورت رهاشده کشف شد.

درادامه «امید» با ارائه اسناد و مدارکی مدعی شد ایرج سه دانگ گاراژ را به وی فروخته و در ازای آن قطعات یدکی خودرو تحویل گرفته است.

«امید» دراین‌باره به کارآگاهان گفت: «از مدتی پیش ایرج پیشنهاد خرید سه دانگ گاراژ از سوی من را مطرح کرده بود و من نیز با قبول این پیشنهاد پذیرفتم ۸۰۰ میلیون تومان را در قالب قطعات یدکی خودرو به او تحویل دهم. پس از تحویل قطعات یدکی قول‌نامه‌ای نیز بین ما دو نفر مبنی بر فروش سه دانگ گاراژ تنظیم شد».

کارآگاهان با توجه به اسناد و مدارک ارائه‌شده درباره قول‌نامه، به تحقیق از خانواده ایرج پرداختند و اطلاع پیدا کردند وی هیچ‌گونه نیاز مالی یا قصدی برای فروش سه دانگ گاراژ نداشت. درادامه مشخص شد ارزش گاراژ حداقل سه میلیارد تومان است که بنا بر اظهارات «امید» و متن قرارداد تنظیم‌شده، فقط ۸۰۰ میلیون تومان و آن هم به شکل تحویل‌دادن قطعات و لوازم خودرو به ایرج پرداخت شده بود ضمن آنکه «امید» نیز قادر به ارائه اسناد و مدارکی درباره نحوه تحویل قطعات خودرو یا نوع قطعات به کارآگاهان نبود.

کارآگاهان در ادامه رسیدگی به پرونده با انجام اقدامات پلیسی اطلاع پیدا کردند «امید» به صورت ناگهانی سفری به ساوه داشته و به شاگرد گاراژ تأکید کرده هیچ‌کس نباید از این سفر باخبر شود. با ارائه اسناد و مدارک از سوی کارآگاهان، امید که ابتدا منکر رفتن به ساوه شده بود، به‌ناچار به این موضوع اعتراف کرد اما مدعی شد صرفا برای تفریح و خوش‌گذرانی و بدون اطلاع خانواده‌اش، به باغ یکی از دوستانش به‌نام مهدی رفته است.

با توجه به تحقیقات به‌عمل‌آمده و تناقضات متعدد در اظهارات «امید»، با هماهنگی بازپرس پرونده این مرد روز ۱۲ خرداد دستگیر و برای انجام تحقیقات پلیسی به اداره یازدهم پلیس آگاهی منتقل شد.

«امید» پس از چند روز سکوت سرانجام به ارتکاب جنایت از سوی یکی از دوستانش به‌نام «مهدی» اعتراف و بیان کرد: «مهدی در کار قاچاق سلاح است و ایرج نیز در زمینه خریدوفروش مواد مخدر فعالیت داشت. آنها قصد معامله با یکدیگر را داشتند و به همین علت، من به‌همراه ایرج به شهرستان ساوه رفتیم تا آنها با یکدیگر معامله کنند. پس از رسیدن به ساوه، ایرج همراه مهدی برای دیدن اسلحه از باغ خارج شدند و من نیز برای استراحت همان‌جا ماندم. بعدازظهر ۲۸ فروردین، مهدی به‌تنهایی به باغ بازگشت و بیان کرد ایرج را کشته است و اگر من نیز دراین‌باره حرفی به کسی بزنم، مرا نیز خواهد کشت».

با توجه به اظهارات «امید» درباره ارتکاب جنایت از سوی «مهدی» (۲۵ساله)، کارآگاهان با اخذ قضائی به ساوه رفتند، «مهدی» را دستگیر و برای انجام تحقیقات به پلیس آگاهی تهران منتقل کردند. «مهدی» در اعترافاتش مرگ ایرج را تأیید کرد اما درباره اظهارات امید مبنی بر معامله غیرقانونی، منکر هرگونه خرید و فروش سلاح و مواد مخدر یا حتی فعالیت خود و متوفی در این زمینه شد و بیان کرد پیشنهاد ارتکاب جنایت از سوی «امید» مطرح و قتل در گاراژ تهرانسر انجام شد.

«مهدی» در اعترافاتش به کارآگاهان گفت: «روز ۲۷ فروردین با طرح و نقشه قبلی، امید به بهانه صحبت‌کردن با ایرج درباره نحوه بازسازی سقف گاراژ، از وی دعوت کرد تا به گاراژ بیاید. در گاراژ، با کمک امید دست‌وپای «ایرج» را بستیم و با تهدید از او روی قول‌نامه فروش سه دانگ گاراژ امضا و اثر انگشت گرفتیم. پس از گرفتن امضا و اثر انگشت، امید گفت امکان آزادکردن ایرج وجود ندارد، چراکه وی پس از آزادی به پلیس مراجعه و از ما شکایت خواهد کرد. با امید با طرح این موضوع، پیشنهاد داد ایرج را بکشیم و جسدش را به ساوه منتقل کنیم. سرانجام قبول کردم ایرج را به قتل برسانیم. پس از خفه‌کردن ایرج، جسدش را با پراید من به نزدیکی روستایی به‌نام اصفهانک در شهرستان ساوه بردیم و در آنجا دفن کردیم. پژو ۲۰۶ ایرج را نیز به شهرک اکباتان بردیم و در آنجا رها کردیم».

سرهنگ کارآگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: «با توجه به اعتراف صریح متهمان درباره ارتکاب جنایت، هماهنگی‌های لازم قضائی انجام و کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی با اخذ نیابت قضائی به شهرستان ساوه اعزام و ساعت ۸:۳۰ روز جمعه گذشته موفق به کشف جسد متعلق به ایرج در گودال دومتری حفره‌شده از سوی متهمان شدند».

سرهنگ مکرم بیان کرد: «با توجه به کشف جسد و تشکیل پرونده با موضوع قتل عمد، قرار بازداشت موقت از سوی مقام قضائی صادر شد و هر دو متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفتند».

انکار قتل در دادگاه

شرق: پسری که متهم است در نوجوانی مرتکب قتل شده است، وقتی اتهام خود را انکار کرد، گفت قبلا به این دلیل به آدم‌کشی اعتراف کرده بود؛ چون در این دنیا تنهاست اما هم‌جرمانش خانواده داشتند. به گزارش خبرنگار ما، ۱۱ تیر سال ۹۲ مأموران پلیس باخبر شدند درگیری بین دو نوجوان به جراحت و سپس مرگ یکی از آنها منجر شده است. دقایقی بعد از اعلام این خبر، مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند و متوجه شدند مقتول رامین نام داشت و با چهار نوجوان به نام‌های مازیار، کامران، مسعود و سروش درگیر شده بود. زمانی که مأموران چهار پسر نوجوان را بازداشت کردند، یکی از آنها به نام مازیار به قتل اعتراف کرد و گفت ضربات کشنده را او وارد کرده است. مازیار گفت: چند روز قبل از حادثه با رامین دعوا کرده بودم و او من را زده بود؛ برای اینکه ادبش کنم، تصمیم گرفتم با دوستانم با رامین درگیر شویم. روز حادثه وقتی رامین با دوستش به یک ساندویچی رفته بود، به من خبر دادند. من هم کامران، مسعود و سروش را خبر کردم و با هم به محل رفتیم. وقتی رسیدیم، من با رامین درگیر شدم، او مرا زد و من هم دوباره او را زدم؛ به‌این‌ترتیب بود که کشته شد. من قصد نداشتم او را بکشم و فقط می‌خواستم زخمی‌اش کنم، اما چاقو به پهلویش برخورد کرد. این گفته‌ها موردتأیید سه متهم دیگر پرونده نیز قرار گرفت و پرونده بعد از صدور کیفرخواست برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری شماره یک فرستاده شد. روز گذشته در جلسه رسیدگی به این پرونده، ابتدا نماینده دادستان در جایگاه حاضر شد و برای متهمان درخواست صدور حکم قانونی کرد. سپس نوبت به اولیای‌دم رسید؛ آنها هم اعلام کردند فقط درخواست قصاص دارند و متهم به قتل را نمی‌بخشند. وقتی نوبت به مازیار رسید، او اتهام قتل را رد کرد و گفت: قبول دارم که من با رامین درگیر شدم و دعوای اصلی بین ما بود که از چند روز قبل هم شروع شده بود؛ اما روز حادثه من فقط او را با ضربه‌ای که به پایش زدم زخمی کردم و ضرباتی که به بالاتنه‌اش برخورد کرده است، کار من نبود. ضمن اینکه رامین هم با پایه صندلی ضربه‌ای به من زد و بعد هم صندلی را پرت کرد. متهم درباره اینکه چرا قبلا این اظهارات را نگفته و به قتل اعتراف کرده است، گفت: من در این دنیا یک مادر پیر دارم؛ نه پدر دارم و نه خواهر و برادر. هیچ‌کس را ندارم و کسی هم انتظارم را نمی‌کشد. وقتی موضوع مرگ رامین مطرح شد، دوستانم به من گفتند تو اتهام را قبول کن، بگذار ما بیرون بیاییم و کمکت کنیم. من هم با خودم فکر کردم اینها به خاطر من به محل قتل آمده‌اند؛ ضمن اینکه همگی خانواده دارند، پدر و مادر و خواهر و برادر دارند؛ کسانی هستند که دلشان پیش اینهاست، پس تصمیم گرفتم قتل را قبول کنم. البته به دوستانم گفتم من دو شرط دارم؛ اول اینکه به مادرم سر بزنید و کارهای او را انجام دهید، دوم اینکه دنبال رضایت برای من باشید. آنها هم قبول کردند. وقتی من اعتراف کردم و آنها از زندان خلاص شدند، دیگر سراغی از من نگرفتند و به مادرم هم سر نزدند. هیچ تلاشی هم برای جلب رضایت اولیای دم نکردند. اینکه من زنده نباشم، مسئله دوم بود. نگرانی من به خاطر مادرم است که سه هم‌جرمم او را رها کردند و من را گول زدند. حالا تصمیم گرفتم واقعیت را بگویم. سپس هیأت قضات از متهم ردیف دوم خواستند که در جایگاه حاضر شود. وقتی کامران اتهام ضرب و جرح را شنید، گفت: اتهام را قبول ندارم؛ البته من به محل رفته بودم، قمه هم داشتم؛ این موضوع را حالا به شما می‌گویم و قبلا چیزی نگفته بودم؛ اما برای اینکه قسم خوردم واقعیت را بگویم، برایتان توضیح می‌دهم که آن روز قمه هم برده بودم اما جلوی در ساندویچی ایستادم و اصلا داخل نرفتم و ضارب فقط مازیار است و چیزی که درباره ما می‌گوید، دروغ است. وقتی نوبت به دو متهم دیگر رسید، آنها هم گفته‌های مازیار را رد کردند و گفتند زمان قتل فقط در ماشین بودند. با پایان گفته‌های متهمان و وکلای مدافع آنها، هیأت قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

قتل ۱۱ عضو یک خانواده در مکزیک

پلیس مکزیک اعلام کرد: چند مرد مسلح ۱۱ عضو یک خانواده را در یکی از روستاهای دورافتاده و کوهستانی این کشور به قتل رساندند. پلیس مکزیک همچنین با بیان اینکه در میان کشته‌شدگان، پنج زن نیز بودند، اعلام کرد: انگیزه این جنایت فجیع در حال بررسی است.

همچنین دو نفر دیگر به‌شدت مجروح شده‌اند و در بیمارستان تحت مداوا قرار دارند. بررسی‌های اولیه حاکی از آن است که این افراد با پای پیاده به محل سکونت اعضای این خانواده حمله‌ور شده و پس از اقدام به تیراندازی از محل گریخته‌اند. یکی از مقامات ارشد دولت مکزیک که نامی از خود منتشر نکرده است، گفت: این حادثه داخل یک ساختمان مسکونی رخ داده است؛ هرچند گزارش برخی رسانه‌ها حاکی از آن است که اجساد قربانیان در چند خانه مختلف پیدا شده است. هنوز مشخص نیست این جنایت مربوط به سازمان‌های تبهکارانه بوده است یا درگیری خانوادگی.

رخداد

ضرب‌وجرح ناجیان ۱۱۵

● جوانی که از شدت خونریزی در حال مرگ بود، پرسنل اورژانس را برای نجات جانش کتک زد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، ساعت ۲۳ جمعه واحد امدادی اورژانس شهرضا برای امدادرسانی به یک حادثه چاقوخوردگی اعزام شد. پرسنل امدادی پس از حضور در صحنه حادثه و مواجه‌شدن با صحنه درگیری خانوادگی، اقدامات اولیه را برای کنترل خونریزی مصدوم انجام دادند و مصدوم را برای ادامه درمان به بیمارستان منتقل کردند. در مسیر بیمارستان، مصدوم با تکنیسین درگیر شد و با مشت به صورت وی ضربه زد. گفته می‌شود مصدوم خودش با چاقو ساعدش را بریده بود و قصد خودکشی داشت. سرانجام با پیگیری‌های انجام‌شده بنا بر دستور مقام قضائی، مصدوم پس از ترخیص از بیمارستان روانه بازداشتگاه شد.

کلاهبرداری از ۴ متقاضی سفر به آمریکا
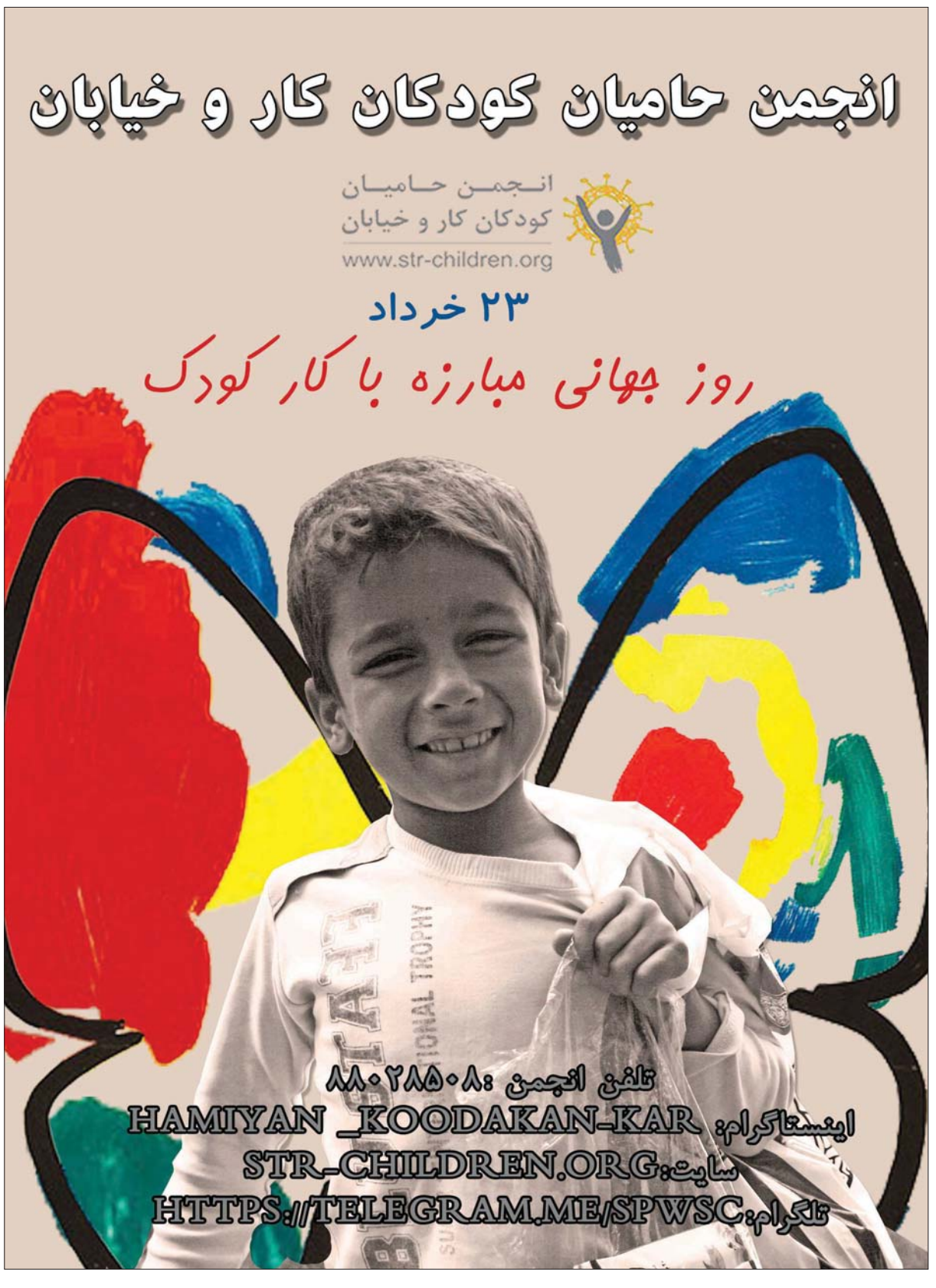
● فردی به جرم کلاهبرداری از چهار شهروند متقاضی دریافت اقامت کشور آمریکا، دستگیر شد. سرهنگ «اصغر باقریان»، رئیس‌پلیس فتای استان تهران دراین‌باره گفت: در پی شکایت چهار نفر از شهروندان مبنی بر اینکه فردی با سوءاستفاده از اعتماد آنها و با وعده خرید ویلا و خودرو در کشور آمریکا، مبلغی نزدیک به چهار میلیارد ریال را از آنها دریافت کرده و متواری شده است، پرونده‌ای در پلیس فتا تشکیل شد. باقریان ادامه داد: با توجه به اینکه فرد بزهکار از طریق فضای مجازی با شاکیان پرونده ارتباط برقرار و ایمیل‌های جعلی به نام کنسولگری آمریکا برای آنها ارسال می‌کرد، موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارشناسان پلیس فتا قرار گرفت. این مقام انتظامی ادامه داد: بنابراین با تحقیقات و بررسی‌های فنی گسترده، محل اقامت کلاهبردار اینترنتی از طریق فضای مجازی شناسایی و در عملیاتی در شهرستان شهریار دستگیر شد. سرهنگ باقریان، افزود: متهم ابتدا در بازجویی‌ها، منکر بزه انتسابی شد اما پس از مواجهه با مدارک و مستندات پلیس، چاره‌ای جز بیان حقیقت نداشت و به بزه خود اعتراف کرد و توضیح داد در سفرهایی که به کشور آمریکا داشت، با ارسال تصاویر خود در کنار ویلاها و خودروهای شهروندان این کشور، شاکیان پرونده را با این ادعا که ویلاها و خودروها برای آنها خریداری شده است، آنها را فریب می‌داد.